

اعتدالیون مشغول سربردن

صفحه ۱۵

اسناد همکاری ترکیه با داعش

صفحه ۱۵

شنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۵ | اول ذی‌الحجه ۱۴۳۷ | ۳ سپتامبر ۲۰۱۶ | سال هشتم | شماره ۱۶ | صفحه ۱۶ | ۱۰۰ تومان



داوری تاریخی می‌کنم

صفحه ۲



پیوند آسمانی حضرت امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها را شادباش می‌گویم

تیتراهای امروز

در سایه انفعال دستگاه دیپلماسی ایران گزارش ۴۰۰ بندی عربستان و منافقین بزودی در پارلمان اروپا فرات می‌شود

دیپلماسی تأخیر

■ اظهارات جدید عادل الجبیر علیه ایران



صفحه ۲

مجلس به دنبال تحقیق و تفحص از پرداختی‌های نامتعارف است

لایه‌برداری از

فیش‌های نجومی

صفحه ۲

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس عنوان کرد

هماهنگی با کدخدا

علت عدم پیگیری منا

صفحه ۲

انتقاد شدید اقتصاددانان از رویکرد غیر کارشناسانه‌ای که به زبان کشور است

توافق با FATF

ضربه به امنیت ملی

صفحه ۱۶

روزنه

درباره بی‌عملی دولت در قضیه فیش‌های نجومی

چرا اقدام عاجل لازم است؟

- میکائیل دبیانی

۱- انسان‌ها در مواجهه با مسائل و مشکلاتی که با آنها روبرو می‌شوند به ابزارهای نام «حل مسئله» مجهزند. هر فردی در برخورد با مسائل سعی می‌کند از خود واکنشی نشان دهد تا مسئله حل شود اما خدا آن روز را نیابرد که فرد احساس کند «تأثیری بر حل مسئله ندارد» به تعبیری میزان تلاشش برای رسیدن به حل مسئله ربطی به میزان حل مسئله نداشته باشد. در این شرایط است که فرد کم‌کم از میزان تلاش خود کم می‌کند و دچار «درماندگی آموخته‌شده» می‌شود. مفهوم درماندگی آموخته‌شده (Learned Help Leseness) نشان‌دهنده منفی‌ترین حالت درک هر کس از خود است. درماندگی آموخته شده در حوزه تعلیم و تربیت به کسانی اشاره می‌کند که کوشش را با پیشرفت مرتبط نمی‌دانند. آنها افرادی هستند که فکر می‌کنند هر کاری انجام دهند به موفقیت دست نمی‌یابند. فرد بعد از اینکه چند بار دست به عملی زد و رفتار متقابل آن تغییر نکرد، می‌آموزد که رفتار و نتیجه رفتار او از یکدیگر مستقل هستند و دست از تلاش می‌کشد. درماندگی آموخته شده اما مواجهه‌ای نیست که صرفاً برای قشر دانش‌آموز و دانشجو در حوزه تعلیم و تربیت مقابل مسائل و مشکلات به وجود آید بلکه جامعه‌شناسان معتقدند ممکن است به یک رفتار عمومی و اجتماعی بدل شود و جامعه در مواجهه با یک مسئله ترجیح دهد از خود این رفتار را بروز دهد!

۲- بیش از ۳ ماه از مساله فیش‌های نجومی گذشته و با وجود تذکرات مکرر رهبری، مسئولان و مردم، دولت همچنان در موقعیت فراواقعیت‌سازی از وضعیت اجتماعی بسر می‌برد و ترجیح می‌دهد به جای آنکه اقدامی عاجل درباره فیش‌های نجومی صورت دهد به لغو مجوز چند کنسرت بپردازد اما این منش دولت اصل مسئله را از بین می‌برد یا صورت مساله را پاک می‌کند؟ پاک کردن صورت مساله آیا گرهما و سوالات ذهنی مردم کوچه و بازار را حل می‌کند؟ آیا صرفاً فیش‌های نجومی به ضرر دولت تمام خواهد شد؟ پاسخ به همه این سوالات منفی است! دولت اگر با هزار مساله ریز و درشت دیگر هم بخواهد افکار عمومی را منحرف کند، فیش‌های نجومی را به واسطه آنکه مساله عدالت را خدشه‌دار کرد، نمی‌تواند پنهان کند...
ادامه در صفحه ۵

تنگناهای رسیدگی به محرومان و فعالیت‌های جدید کمیته امداد در گفت‌وگوی «وطن امروز» با سید پرویز فتاح

زورمان نمی‌رسد!

- سهم اقشار فقیر از بودجه ۹۵ کشور، ۱/۵ درصد است
- نگاه دولت باعث شده فقرا سهم چندانی از بودجه نبرند
- من منتقد این سهم اندک هستم

صفحه ۴



تکس ایران هم‌چندی وطن امروز

خسارت محاسبات غلط

اقتصاد و امنیت در بند

برجام در موقعیت فعلی و کم‌کاری‌های داخلی متمسک به چنین گزینه‌ای می‌شود هم اندیشید. «اعتباری قدرت» در فضای داخلی و خارجی توأم با هدم روانی سایر مولفه‌های قدرت کشور از بدبهبی‌ترین نتایج چنین فضا سازی خطرناکی است، چراکه دشمن کم و کور نیست و محاسبات اعلامی مسؤولان ما را ثبت می‌کند.

۲- بخشی از دولتمردان قویا وارد فاز توجیه بدبهبی طرف مقابل شده‌اند که خلاف دیسیپلین نشان‌دهنده مشروعیت و اخلاقی‌مداری کانون قدرت که با یک سوت دشمن عرصه را ترک می‌کنند، بسادگی قابل پیش‌بینی است.

■ ناظم عاقل و منطقت

ب- نمایش عقلانیت و منطق ایرانی: ذات جلانه‌زنی پیگیری ملی‌گرایانه در حوزه سیاست خارجی برای تأثیر گذاری بر خواست طرفین نشان‌دهنده مشروعیت و اخلاقی‌مداری کانون قدرت ایران در حوزه روابط بین‌الملل با نمایش ۱۲ سال گفت‌وگوی منطقی و انعطاف سیاسی برابر سازمان‌های بین‌المللی در عین مقاومت استراتژیک و تعامل چندجانبه نشان داد به ادبیات قدرت و تعاملات سیاسی آمریکا به پایبندی به تعهدات برجاسی نیز از رویه‌های مشهود فعلی است که نشانه ضعف ساختاری در حوزه دیپلماسی و بی‌اعتدالی خود «زور» نمی‌گوید و دیگران را تهدید به بمباران اتمی نمی‌کند! اهمیت تکمیل پروسه «مناکرات» را می‌توان در اطمینان سایر قدرت‌ها به تعامل و همکاری با ایران در موضوعات استراتژیک منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، همکاری نظامی، توافق تسلیحاتی و تجهیز ایران به سامانه پدافندی «اس ۳۰۰» و رسمیت یافتن منابع قدرت کشورمان در فضای جهانی مشاهده کرد.

پس تا اینجا بی‌جای کار آنچه ایران از برجام می‌خواست حاصل شده و تصمیم‌سازی پیرامون منافع و مضرات ادامه پایبندی به برجام به واسطه رویه شدن نقض آن، نیازمند محاسبات جدید است.

■ تخریب درونی قدرت

۱- در داخل، چنین فضا سازی می‌شود که برجام ابزار «جلوگیری از جنگ حتمی» بود. این تحلیل علاوه بر اینکه نمایانگر بوج و توخالی بودن عقبه محاسبه‌گر و آینده‌پژوه کشور در فضای جهانی است، از قدرت خلع تمام مولفه‌های اعتباربخش اعلام شده نیز برخوردار است. به این معنا که رتبه ایران در جهان را به کشوری ضعیف و بیگانه با ادبیات قدرت که از ترس نابود نشدن توسط قدرت نظامی سایرین، تسلیم فشارها شده است، پایین می‌آورد. این خط تحلیلی «حساس امنیت» شهروندان جامعه ایرانی را با خطر جدی مواجه کرده و مولفه‌های درونی امنیت را بشدت تخریب می‌کند. به این ترتیب حتی می‌توان به «حاکمه» مدیری که احياناً برای توجیه ناکارآمدی‌های

در حوزه‌های ذیل بود.
الف- شناسایی ایران به عنوان قدرت هسته‌ای: برخلاف تبلیغات غرب‌گرایان در کشورمان، توانمندی استفاده از انرژی پاک و ارزان هسته‌ای کامکان در جهان رو به گسترش است و علاوه بر اهمیت ذاتی «نرژی» به عنوان یکی از منابع استراتژیک قدرت، از دوره قبلی تحمیل «ظلم جهانی» هنوز یکی از مولفه‌های قدرت در حوزه برتری فناوری- تسلیحاتی به شمار می‌رود. پس با فاکتور گرفتن از «بمب هسته‌ای» نیز دستیابی به قدرت شکافت اتم و تبدیل آن به منبع امن انرژی، در عرصیت در باشگاه قدرت‌های جهانی موثر است. دقیقاً به همین دلیل بود که آمریکا با اصل برنامه هسته‌ای ایران مخالف بود. با این وجود نمایش طولانی مدت ایستادگی ایرانیان برای صیانت از منابع بومی قدرت و چانه‌زنی پرسروصدا در حوزه سیاست خارجی برای حفظ و پذیرش جهانی آن، خود مکمل سایر مولفه‌های بروز یافته قدرت است و «انسجام روحی» و «خودباوری» ایرانیان را به عنوان بخشی دیگر از مولفه‌های قدرت نرم به نمایش گذاشت.

ب- رشد و توسعه اقتصادی به دنبال برطرف شدن تحریم‌ها: هدف اصلی از مذاکره «رفع کامل تحریم‌ها» برای تقویت زیرساخت اقتصادی تکامل نیافته کشور بود. ایران برای موفقیت در مرحله تبدیل به قدرت جهانی، نیازمند اتکا به پایه‌های اقتصادی محکم وطنی است. کل تلاش آمریکا نیز از دوره تحریم‌ها تاکنون متمرکز بر جلوگیری از تبدیل ایران به قدرتی اقتصادی است، چرا که سایر مولفه‌های ظهور قدرت ایران، بنا بر آنچه عرض شد در وضعیت بسیار خوبی است و قویا مورد شناسایی قرار گرفته است.

■ توطئه پسایر جام

به نظر می‌رسد برجام تنها در رفع تحریم‌ها و فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای پیشرفت اقتصاد ایران موفق نبود، بلکه به ابزار هضم کشور در هاضمه لیبرال- سرمایه‌داری مطابق برنامه مشترک غرب‌گرایان داخلی و وزارت خزانه‌داری آمریکا تبدیل شده است. ورشکستگی تولیدکنندگان داخلی، دوام رکود، ایزوله ماندن اقتصاد ایران در شرایط پسایر جام در کنار جایگزینی تجار خارجی با بازاریان وطن‌دوستی که در شرایط سخت تحریم‌ها هزینه دوام اقتصادی ایران را با متحمل شدن فشارها به جان خریدند، از موارد بارز اجرای موفق طرح آمریکا برای تضعیف بیشتر مولفه‌های اقتصاد ایران است. دشمن می‌کوشد با جایگزینی بی‌سروصدای

برجام در موقعیت فعلی و کم‌کاری‌های داخلی متمسک به چنین گزینه‌ای می‌شود هم اندیشید. «اعتباری قدرت» در فضای داخلی و خارجی توأم با هدم روانی سایر مولفه‌های قدرت کشور از بدبهبی‌ترین نتایج چنین فضا سازی خطرناکی است، چراکه دشمن کم و کور نیست و محاسبات اعلامی مسؤولان ما را ثبت می‌کند.

۲- بخشی از دولتمردان قویا وارد فاز توجیه بدبهبی طرف مقابل شده‌اند که خلاف دیسیپلین نشان‌دهنده مشروعیت و اخلاقی‌مداری کانون قدرت که با یک سوت دشمن عرصه را ترک می‌کنند، بسادگی قابل پیش‌بینی است.

ب- نمایش عقلانیت و منطق ایرانی: ذات جلانه‌زنی پیگیری ملی‌گرایانه در حوزه سیاست خارجی برای تأثیر گذاری بر خواست طرفین نشان‌دهنده مشروعیت و اخلاقی‌مداری کانون قدرت ایران در حوزه روابط بین‌الملل با نمایش ۱۲ سال گفت‌وگوی منطقی و انعطاف سیاسی برابر سازمان‌های بین‌المللی در عین مقاومت استراتژیک و تعامل چندجانبه نشان داد به ادبیات قدرت و تعاملات سیاسی آمریکا به پایبندی به تعهدات برجاسی نیز از رویه‌های مشهود فعلی است که نشانه ضعف ساختاری در حوزه دیپلماسی و بی‌اعتدالی خود «زور» نمی‌گوید و دیگران را تهدید به بمباران اتمی نمی‌کند! اهمیت تکمیل پروسه «مناکرات» را می‌توان در اطمینان سایر قدرت‌ها به تعامل و همکاری با ایران در موضوعات استراتژیک منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، همکاری نظامی، توافق تسلیحاتی و تجهیز ایران به سامانه پدافندی «اس ۳۰۰» و رسمیت یافتن منابع قدرت کشورمان در فضای جهانی مشاهده کرد.

ادامه در صفحه ۵

باباجان‌ها و محافظه‌کاری شیک

■ امیراستکی

«وزیر نفت آمد. گفتیم به «مهدی» کار محدودی واگذار شود که مزاحم درس او نباشد. قرار شد در هیأت‌مدیره سکوه‌های پارس جنوبی باشد».

(خاطرات هاشمی، ۱۷ آبان ۷۱)

چند وقت پیش در جمع دوستان بودیم که یکی از رفقا لطیفه معناداری گفت. پرسید بهترین شغل دنیا چیست؟ ما هم هر کدام جوابی دادیم و شغلی را به عنوان بهترین شغل دنیا معرفی کردیم ولی پاسخ‌های ما هیچکدام صحیح نبود و در آخر دوست‌مان خود پاسخ را داد؛ بهترین شغل دنیا داشتن پدر پولدار است! پاسخی که با توجه به اوضاع فعلی اشتغال در کشور ما، بیراه هم نیست. اینکه من جوان وقتی به گزینه‌های پیش رویم نگاه می‌کنم با یک حساب ساده- هر چقدر هم خوشبینانه- به این نتیجه می‌رسم که تا سال‌های سال رنگ بسیاری چیزها را نخواهم دید؛ مثلاً نخواهم توانست صاحب یک آپارتمان کوچک شوم یا به‌گونه‌ای دیگر نخواهم توانست روزی ۲ ساعت فرصت بی‌دغدغه برای تفکر، مطالعه و کنشگری فعال اجتماعی داشته باشم. یعنی به عبارت دیگر تا مشکل معاش و تامین نیازهای اساسی زندگی برطرف نشود بسیاری وجوه زندگانی انسانی لاجرم تاریک خواهد ماند و این به معنای مستضعف بودن است. این درصورتی است که اگر معیشت تامین باشد تازه آن زمان است که آدمی آماده شنیدن، اندیشیدن و عمل کردن است. حال در زندگی آدمی دوران‌هایی هست که چنین شرایطی هر چند گذرا برای او فراهم شود. مثلاً دوره دانشجویی که خرج و مخارج اکثر دانشجویان بر عهده خانواده و دولت است و همین وقت‌هاست که می‌بینیم بسیاری آرماتگرایی‌ها محقق می‌شود، آرماتگرایی‌هایی که برای اکثر دانشجویان همین دوره کوتاه

رها بودن از معیشت را «درمی‌گیرد و بعد از آن سیلاب معیشت بسبب‌باری را درگیر خود می‌کند. اگر بخواهیم از مطالبه مقدمه بحث منحرف نشویم و حرف‌مان را برنیزیم باید بگوییم که داشتن پدر پولدار یعنی داشتن شغلی!) که فرصت زیادی برای زیستن طبق علائق به آدمی می‌دهد. یعنی حداقل ۲ ده تا دیگر همسالان جلوتر بودن. اما اینکه یک عده پدر پولدار دارند آیا بد است؟ پاسخ ما این است که نوش‌جان‌شان و ما ابادا بخیل نیستیم. این جوک را گفتیم که از کنار آن یک جوک جدیدتر بسازیم. اینکه آیا بهترین شغل دنیا داشتن پدر سیاستمدار نیست؟ یا داشتن خاندانی سیاسی و پرنفوذ؟ یا به‌گونه‌ای دیگر آیا بهترین شغل دنیا داشتن یک مجموعه کامل از خاندان سیاسی- اقتصادی گرفته تا دوستان قدرتمند و ذی‌نفوذ نیست؟ خاندان و دوستانی که براحتی تصور می‌کنند بر سر یک سفره خانوادگی نشست‌اند و کسی هم بدون دعوت و اجازه آنها حق نخواهد داشت بر سر سفره بنشیند. سفره دوستان و آشنایان و خودی‌ها که در منظومه ذهنی او سر سفره‌نشستگان، یا باید از اوایل پهن شدن سفره بین آنها بر خورده باشی یا پدرت را برادرت یا یکی از دوستانت از مقصدمان سفره باشند تا بتوانی بر سر سفره بنشینی. بگذارید از لغافه خارج شویم و صریح‌تر سخن بگوییم. به زبان خودمانی ملت انقلاب کردند که بساط لغت، لیس و «پیره‌وری» یک عده به‌خصوص برچیده شود و قرار بر این بود اگر سفره‌ای پهن می‌شود متعلق به همه مستضعفان باشد و سفره‌دار و مبارزان اجر خود را از خاندان طلب کنند نه اینکه با زور کردن جایی همیشگی در بالادست سفره حساب زحمات خود را با ملت تسویه کنند. آنچه به‌گونه‌ای که گویا حقی همیشگی برای اعیان آنها پدیدار شده است.

در فلسفه سیاسی، محافظه‌کاری را اندیشه‌ای می‌دانند مخالف با تغییرات بنیادین جامعه محافظه‌کار کسی است که حفظ ساختارهای موجود را می‌طلبد. محافظه‌کاری به این معنا نیست که شخصی محافظه‌کار در عرصه عمل سیاسی و اجتماعی مخالف تغییرات است، بلکه او مخالف تغییراتی است که ساختارهای منافع را بهم می‌زند. مثل همین بحث سفره‌ای که در بالا به آن اشاره کردیم- هر کس به‌گونه‌ای خواستار بقای شرایط موجود- که در آن سهمی از شبکه منافع دارد- باشد یک محافظه‌کار است حتی اگر در ظاهر و کلام خود مدعی اصلاح‌طلبی و تغییر باشد.

ادامه در صفحه ۵